

تعارف : آقای روح‌الله خالقی

تربیت گوش

علمای تعلیم و تربیت معتقدند که باید حواس اطفال را قبل از همه چیز پرورش داد .

یکی از حواس ما سامعه است که برای تربیت آن وسائلی در دست میباشد و چون گوش آلت ضبط اصوات است هر کسی باید قوه شنوائی خود را بعدی که از اصوات موسیقی لذت برد و خوب را از بد تمیز دهد پیروراند .

ژان ژاک روسو^۱ میگوید : تربیت باید از او آن طفولیت شروع شود . و « فنلن »^۲ عقیده دارد که : عادات اولیه ثابت تر هستند . « لاین یا ک »^۳ میگوید که : عادات اولیه از قبیل راه رفتن و تلفظ کردن است و ممکن است غلط راه رفتن و بد تلفظ کردن عادت شود . سومین عادت بد اولیه بنظر او غلط خواندن و یا باصطلاح ما خارج خواندن است .

پس بر مریبان است که در ضمن پرورش حواس دیگر حس سامعه اطفال را هم تربیت کنند ولی چون والدین درین موضوع اغلب بی اطلاعند بهتر است که اقدامی نکنند و این کار را بعهدۀ آموزگاران سرود مدارس گذارند . زیرا مکرر در خانواده ها دیده‌ام که مادری تصنیفی را بغلط میخواند و بچه‌های او هم با وی هم‌آواز میشوند و اگر کسی از دور گوش کند (چون از نزدیک قابل شنیدن نیست) یک « سرایه »^۴ ناچور و نا مطبوعی میشوند و در اغلب موارد پدر خانواده هم درحالیکه مشغول روزنامه خواندن است ازین ارکستر عالی لذت برده گاهگاهی تبسم کنان آفرین

۱- Fenelon (۱۶۵۱-۱۷۱۵)

۲- Albert Lavignac از علمای بزرگ موسیقی فرانسه

۳- سرایه بجای Choeur فرانسه است و مقصود از آن آواز جمعی است

میگوید و از استعداد خانم و اطفال خود خرسند و خشنود میشود! حال اگر بعضی خانواده‌ها که با ساز و آواز بزرگ شده باشند صحیح بخوانند مطلب دیگر است و حکم نادر را دارد.

در کشورهایی که موسیقی خیلی ترقی کرده کمتر دیده میشود که اقلاً یکی از افراد خانواده با ساز آشنائی نداشته باشد یا اگر اتفاقاً آلت و اسباب موسیقی هم در خانه پیدا نشود همه بخوانند کی عادت دارند چونکه از طفولیت در آموزشگاهها آواز خوانده‌اند و روزهای یکشنبه در کلیساها سرود مقدس میخوانند و شنیدن ارکستر و رفتن به «کنسرت» و غیره هم از لوازم ضروری زندگانی است. چنانکه حالا سینما رفتن هم جزء پروگرام تفریح اکثر خانواده‌های ماست و شك نیست که با این ترتیب بخصوص چون سینماها صدادار است اطفال ده سال بعد با بچه‌های امروز خیلی فرق خواهند داشت و مهمترین وسیله برای ترقی موسیقی ما هم همین است (ولی بشرطیکه در اثر رواج بازار موسیقی فرنگی و کم شنیدن موسیقی ایرانی موسیقی ملی از رونق نیفتد) پس با این ترتیب گوش اطفال بزودی بموسیقی آشنا میشود. با وجود این علمای موسیقی و مربیان این صنعت در کشورهای دیگر هم راجع باین موضوع بحث‌ها کرده و مخصوصاً متذکر شده‌اند که ممکن است در اثر غلط خواندن والدین، یا بدی تربیت حسن سامعه اطفال مریض شود و علاج آن دشوار بلکه محال گردد.

شك نیست که ذوق موسیقی طبیعی است چنانکه اتفاق میافتد طفلیکه هیچ با ساز و آواز آشنا نبوده دارای سامعه قوی و صحیح است ولی دراینکه موضوع خواندن آواز و یا شنیدن ساز در تربیت گوش دخالت دارد جای تردید نیست.

ژان ژاک روسو گوید: وقتیکه طفل بدم عمه‌ای داشتم که در موقع حرکت «گهواره» من تصنیفات بازاری میخواند. بی شك ذوق و عشقی که بعدها در موسیقی پیدا کردم در اثر شنیدن همان نغماتی بود که در طفولیت شنیده بودم. ۱

«گنو» ۲ چنین اظهار میدارد: «مادر من بقدری با آواز خواندن علاقه»

۱ - کتاب اعترافات روسو Confession

۲ - Chacle gounod موسیقی دان مشهور فرانسوی و مصنف ایرای نوست

میکند که ذدهای متنوع و تغییر در آن وجود ندارد، سکوت و سکون مرکب‌باری در آن حکمفرمائی میکند، کسی را ندارند که آنها را بانجام امور حالب توجه و رغبت انگیز وادار کنند و از مسائلی با آنها گفتگو کند که در روحشان مؤثر افتد: در اینجا تنها معلم و آموزگار است که باید از آنها تفقد کند و با لطف و مهر غبار کسالت را از صفحه خاطر آنها بزدايد.

۳- موهومات و خرافات - گاهی ما از موهومات و خرافات چنان گفتگو

میکنیم که گوئی این تقیصه روحی تنها مخصوص اجداد و نیاکان ما بوده و تنها در ادوار نخستین حیات و یادری طی قرون وسطی افراد بشر تحت تأثیر آن قرار داشتند و این تقص را در زندگانی ما راهی نیست - ما از فهم این حقیقت عاجزیم که خود ما نیز بنده و برده این موهومات هستیم: نمیتوانیم بکنه خرافاتی که بین اطرافیان و در محیط زندگانی حکمفرمائی میکند پی ببریم زیرا با آنها عادت کرده ایم و تصور میکنیم همه بر روی بنیان عقائدی متین و پسندیده استوار است: پروفیسور در سلاز Dresslaz فهرستی از عقائد و آراء و اظهارات هشتصد و هفتاد و پنج نفر دانش آموز ترتیب داد و ۳۲۲۵ فقره تمثیل از زبان آنها در این فهرست گردآور و نشان داد که تمام این تمثیلهای اصلی جز خرافات و موهومات ندارد. در صورتیکه می بینیم دانش آموزان روشن فکر که نخبه و برگزیده جوانان ماقبل هستند تحت تأثیر این موهومات و خرافات قرار دارند. از کودکان و اطفالی که منسوب بخاندانهای درجات پائین ترند و نسبت بطبقه نخستین بیشتر در ظلمات جهل و نادانی غوطه میخورند چه انتظاری میتوانیم داشته باشیم و چگونه میخواهیم این همه حکایات و روایات عجیب و غریب و بی سروبن از آنها تراوشی نکند:

اطفال طبقات پائین بایک سلسله عقاید و آراء عجیب و تاریک راجع بمرکب بیماری، قضا و بلا و غیره بآموزشگاه میآیند و این افکار موهوم را با خود وارد محیط آموزشگاه میکنند: از علائم و آثار شکفت انگیز آسمانها سخن میگویند، از نورها و روشناییهای خیره کننده در آسمانها دم میزنند. راجع بقدرت طالع بنیان چیزها

میکویند: راجع به بخت و اقبال، نذر و نیاز، ظهور ارواح، طاس نشینی و غیبکوشی و طلسم‌بندی قصه‌ها نقل میکنند.

حتی اشخاص روشن فکر تحصیل کرده و تربیت شده از تأثیرات شوم و موهومات برکنار نمانده‌اند و عقائدی سخیف و نادرست و حیرت‌انگیز از خودابراز و اظهار میکنند: ممکن است در رشته تحصیلات خود سعی و جدیت و هوش و قوه متمیزه قابل تحسین از خویشتن نشان دهند ولی در مسائل و رشته‌های دیگر بسی بلبه و کند و بی تمیز باشند. اولی که در دارالتجربه ای مشغول کار است و همیشه با ماشین سرو کار دارد هیچگاه او را ملازم بتفکر و تأمل نمیکند و خود بخود بکار می افتد در معرض مخاطره عجیبی است. این شخص که از این ماشین خود کار هیچگاه دوروشی و خنده و فریبی ندیده ممکن است نسبت بمحیط زندگانی و افراد و اشخاص بقدری اطمینان کود کانه پیدا کند و در سادگی و بی تجربه گی بقدری علو کند که همه کس او را ملجه و وسیله تفریح قرار دهد. چنین کسی گول همه کس را میخورد زیرا همه را مانند ماشین یک رو و یک زبان میداند و اشخاص را مانند اشیاء بی ربا تصور میکنند.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سخن

که گفتار بیعلم باداست و دم
بجان بر مکن جز به نیکی رقم
که در دست توست ای برادر قلم
ناصر خسرو

سخن را بمیزان دانش بسنج
ترا جانت نامه است و کردار خط
بنامه درون جمله نیکی نویس

اثر این قبیل تم. تنها گوش قبل از دست بموسیقی آشنا میشود و بعدها تنها گوش سبب هدایت دست نوازنده و حنجره خواننده است.

بزرگترین موسیقی دانهای عالم کسانی بوده اند که از کودکی استعداد ذاتی داهنه و گوششان اصوات دقیق را تشخیص میداده و در محیطی دوره صباوت خود را گذرانده اند که مرض غلط خواندن در آنها تولید نشده است. چنانکه « مزار »^۱ در چهار سالگی قطعات ساده موسیقی ایجاد و تصنیف میکرد. « هایدن »^۲ در پنج سالگی میل داشت در کنسرت های خانوادگی ویولن بزند ولی این قبیل اطفال ممکن است در اثر تربیت بد بزودی مغرور شوند و در صنعت مقام شامخی را حائز نشوند.

« بتهون » از بچگی چندان علاقه ای بموسیقی نداشت چنانکه گویند: او را با چهار باموختن پیانو امیداشتند ولی قبل از بیست سالگی بکمترتبه ذوق موسیقی او بیدار شد و عاقبت بزرگترین نابغه عصر خود گردید.

« روبنشتین »^۳ عقیده دارد که بزرگترین استادان موسیقی از همان اطفالی هستند که از بچگی نابغه بودند ولی عده این اساتید نسبت باطفال کوچکی که هر ساله مورد تقدیر واقع شده و در کنسرتها مردم سر تا پای آنها را غرق گل میکنند بسیار کم است. زیرا معمولاً ذوق موسیقی در اوان طفولیت ایجاد میشود و در اغلب عناق موسیقی این شوق و ذوق تا سن چهارده باقی میماند. ولی در این سن که بواسطه بلوغ و تغییرات وظائف الاعضائی و فکری و غیره تغییر کلی در اطفال پدید میآید و مرحله طفولیت تمام میشود اکثر دیده شده است که پسر ها از ۱۵ تا ۲۰ سال و دختر ها از ۱۴ تا ۱۷ سال بکمترتبه به موسیقی بیعلاقه میشوند و شعله ذوق موسیقی آنها تا ابد خاموش میماند. تنها آنهاست که از این موقعیت خطرناک بی دغدغه خاطر بگذرند صنعتگران معروفی میشوند.

در خاتمه متذکر میشود که چگونگی تربیت ذوق موسیقی اطفال مورد بحث جداگانه است که مستقیماً یکی از شعب تعلیم و تربیت مربوط است و درین زمینه بعدها مجال گفتگو زیاد است.

۱ - Mózart (۱۷۹۱ - ۱۷۵۶) — ۲ - Haydn نوامیز و سازنده معروف

آلمانی (۱۸۰۹ — ۱۷۴۲) — ۲ - Rubinstein نوامیز و پیا نوزن معروف روسی (۱۸۹۴ - ۱۸۲۹)